



Research article

Research in Comparative Literature (Arabic and Persian Literature)
Razi University, Vol. 9, Issue 2, Summer 2019, pp. 1-19

Comparative Study of Mohtasham Kashani's Composite-Tie With Bahrololum's *Twelvers* (Contextual and Lexical)

Mohammad Pashaie¹

Assistant Professor of Persian literature, Faculty of literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Maryam Bakhshi²

Assistant Professor of Arabic literature, Faculty of literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Parviz Ahmadzadeh Hooch³

Assistant Professor of Arabic literature, Faculty of literature and Humanities, Azarbaijan Shahid Madani University, Tabriz, Iran

Received: 01/28/2019

Accepted: 05/18/2019

Abstract

The elegy of Imam Hussein and his loyal followers is one of the common concepts in Arabic and Persian. Among the poems written on elegy of Imam Hussein in Arabic in imitation of Mohtasham's poems composed in twelve lines, it can be referred to a famous composite-tie written by Mahdi Bahrololum written in eleven lines. The impact of Mohtasham Kashani's composite-tie on Bahrololum is investigated from contentual and lexical perspectives and a brief introduction on this topic is presented in this article. Also, Bahrololum's *Twelvers* is compared with Mohtasham Kashani's composite-tie in an academic framework and the level of Bahrololum being affected in writing his famous composite-tie is studied. It should be pointed this comparatively study is done according to French School, since these literatures have a historical relationship with each other and they have been written in two different languages. Bahrololum has used from main words and compounds to develop his lyrical poems.

Keywords: Comparative Literature, Mohtasham Kashani, Twelvers, Bahrololum.

1. Corresponding Author's Email:

m_pashaie@yahoo.com

2. Email:

m.bakhshi8@gmail.com

3. Email:

ahmadzadeh1975@yahoo.com



کاوش نامه ادبیات تطبیقی (مطالعات تطبیقی عربی - فارسی)
دانشگاه رازی، دوره نهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۸، صص. ۱-۱۹

بررسی تطبیقی ترکیب‌بند محتشم کاشانی با اثنا عشریات بحر العلوم (از منظر واژگانی و مضمونی)

محمد پاشایی^۱

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

مریم بخشی^۲

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

پرویز احمدزاده هوچ^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۸

دریافت: ۱۳۹۷/۱۱/۸

چکیده

رثای امام حسین (ع) و یاران باوفایش یکی از مضامین رایج میان دو زبان فارسی و عربی است. در بین شعرهایی که در رثای حضرت سیدالشهداء (ع) به زبان عربی و به پیروی و تقلید از دوازده‌بند محتشم به نظم درآمده، می‌توان به ترکیب‌بند مشهور سید محمد مهدی بحر العلوم اشاره کرد که در یازده بند سروده شده است. در پژوهش حاضر پس از ذکر مقدمه‌ای مختصر، میزان تأثیرپذیری بحر العلوم از ترکیب‌بند محتشم کاشانی بررسی شده است. در نوشتار پیش رو، اثنا عشریات بحر العلوم در چارچوبی علمی در دو لایه مضمونی و واژگانی با ترکیب‌بند محتشم به‌طور تطبیقی مقایسه و میزان و نوع تأثیرپذیری بحر العلوم در سرودن ترکیب‌بند مشهورش بررسی شده است. شایان ذکر است که این بررسی و تطبیق براساس مکتب فرانسوی انجام شده است. بحر العلوم با بهره‌گیری از مفردات و ترکیبات کلیدی و مضمون‌ساز دوازده‌بند محتشم، بر غنای شعر خویش افزوده است.

واژگان کلیدی: ادبیات تطبیقی، محتشم کاشانی، اثنا عشریات، بحر العلوم.

۱. پیشگفتار

۱-۱. تعریف موضوع

یکی از مضامین رایج ادب فارسی و عربی، رثای امام حسین (ع) و شهیدان کربلا است. در میان شعرهایی که در رثای حضرت سیدالشهداء به زبان عربی و به پیروی و تقلید از دوازده‌بند محتشم کاشانی^(۱) سروده شده، می‌توان به ترکیب‌بند مشهور سید محمد مهدی بحر العلوم^(۲) اشاره کرد که در یازده بند سروده شده است. در پژوهش حاضر، میزان تأثیر پذیری محتوایی و لفظی بحر العلوم از ترکیب‌بند محتشم بررسی می‌شود.

۱-۲. ضرورت، اهمیت و هدف

در میان مرثیه‌هایی که در سوگ امام حسین و یاران باوفایش سروده شده، از هیچ شعری به اندازه دوازده‌بند محتشم تقلید نشده است. ترکیب‌بند محتشم به توسعه و غنای شعر عاشورا شتاب بیشتری بخشید و توفیق چشمگیر او در آفرینش این اثر ماندگار، نظر شاعران دیگر را به این نوع شعر معطوف ساخت که به خلق آثار پرشور عاشورایی در قالب‌های مختلف انجامید. بسیاری از شاعران عرب و فارسی‌زبان با تأثیر پذیری از دوازده‌بند محتشم، به استقبال ترکیب‌بند او رفته‌اند. در میان اشعار عاشورایی که به پیروی از دوازده‌بند محتشم سروده شده، می‌توان ترکیب‌بند مشهور سید محمد مهدی بحر العلوم را نام برد که در یازده‌بند سروده شده است. بررسی و تطبیق ترکیب‌بند محتشم با اثنا عشریات بحر العلوم می‌تواند میزان و نوع تأثیر پذیری را معین کند.

۱-۳. پرسش‌های پژوهش

- مضامین مشترک ترکیب‌بند محتشم و اثنا عشریات سید محمد مهدی بحر العلوم چیست؟
- تأثیر پذیری لفظی و محتوایی سید محمد مهدی بحر العلوم از ترکیب‌بند محتشم کاشانی چگونه است؟

۱-۴. پیشینه پژوهش

اگرچه تأثیر پذیری بحر العلوم از محتشم کاشانی بارها در کتاب‌ها و مقالات مختلف به صورت کلی مطرح شده، اما تا به امروز پژوهشی دقیق و تطبیقی در باب دو ترکیب‌بند و میزان تأثیر و تأثر آن از منظر واژگانی و محتوایی انجام نگرفته است. آل‌بویه لنگرودی و همکاران (۱۳۹۲: ۱-۲۳) مفاهیم شعری دو ترکیب‌بند را به‌طور اجمالی بررسی کرده و به میزان و نوع تأثر بحر العلوم پرداخته‌اند. در این مقاله ابتدا موضوعات شهادت، عطش، اسارت و غم و اندوه در دو ترکیب‌بند مقایسه شده و سپس شخصیت‌های شعر محتشم و بحر العلوم بررسی شده است. روشن است که در بیشتر شعرهای عاشورایی، چهار مقوله یادشده وجود دارد و

صرف وجود این موضوعات، نمی‌تواند دلیل و پشتوانه‌ای مناسب برای تطبیق و بررسی مقابله‌ای باشد. براساس این، لازم است تا اثناعشریات بحر العلوم با الگوی فارسی آن با ترکیب‌بند محتشم کاشانی، در چارچوبی علمی و در دو سطح واژگانی و مضمونی، به‌طور تطبیقی بررسی شود تا چگونگی تأثیرپذیری بحر العلوم از این الگو مشخص گردد.

۱-۵. روش پژوهش و چارچوب نظری

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، ابتدا موضوعات، مضامین، مفردات و ترکیبات مشترک از ترکیب‌بند محتشم و اثناعشریات بحر العلوم استخراج شده، سپس با مقایسه و مقابله دو شعر به میزان و نوع تأثیرپذیری تحلیل و تبیین شده است. با توجه به این نکته که دو شعر مورد بررسی ارتباط تاریخی داشته‌اند و در دو زبان متفاوت سروده شده‌اند، برای انجام این پژوهش از مکتب فرانسوی ادبیات تطبیقی استفاده شد؛ زیرا در مکتب فرانسوی، تفاوت زبان و داشتن ارتباط تاریخی برای تبیین تأثیر و تأثر شرط است (ر.ک: ولک، ۱۳۷۳: ۱۴۲).

۲. پردازش تحلیلی موضوع

۱-۲. تأثیرپذیری واژگانی و لفظی

یکی از نمونه‌های تأثیرپذیری بحر العلوم از محتشم کاشانی در سرودن اثناعشریات، تأثر واژگانی و لفظی است. وی با بهره‌گیری از مفردات و ترکیبات کلیدی و مضمون‌ساز دوازده‌بند محتشم، بر غنای شعر خویش افزوده است. با دقت در واژه‌ها و مضامین شعری سید محمد مهدی بحر العلوم به‌راحتی می‌توان به میزان تأثیرپذیری وی از محتشم کاشانی پی برد. بحر العلوم گاه به‌طور مستقیم ترکیبات شعری محتشم را به عربی برگردانده و گاه تنها از واژگان شعری پربسامد محتشم برای به‌نظم درآوردن شعرش بهره برده و در مواردی از اصل تداعی معانی برای سرودن ترکیب‌بندش بهره جسته است. براساس تداعی معانی افکار و اندیشه‌ها، مفاهیم، احساسات و واژه‌هایی که قابلیت فراخوانی یکدیگر را داشته باشند، بر مبنای قانون تشابه، مجاورت و تضاد یکدیگر را تداعی می‌کنند. آنچه از راه تداعی به ذهن هنرمند وارد می‌شود، ریشه در ناخودآگاه فردی و اجتماعی وی دارد (ر.ک: خوارزمی، ۱۳۹۴: ۵۹-۶۰) تداعی‌ها سبب می‌شود تا خواننده از راه کلمات یا تصویر و معنا و مفهوم بعضی ابیات، به مفاهیم مشابه در سایر آثار منتقل شود و با این روش بخش وسیع‌تری از حادثه ذهنی شاعر را دریابد. (ر.ک: پورنامداریان، ۱۳۶۸: ۱۳۴)

ترکیب‌بند مشهور محتشم کاشانی با ابیات زیر آغاز می‌شود که لحن پرسشی آن مفید معنای تفعیم است. محتشم با به‌کاربردن آرایه تجاهل العارف، ترکیب‌بند خود را آغاز می‌کند (ر.ک: صلواتی، ۱۳۸۷: ۵۱) و می‌کوشد با این آرایه، توجه مخاطبان را به این حماسه بزرگ جلب کند:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است
 باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین
 این صبح تیره بازدمید از کجا کزو
 گویا طلوع می کند از مغرب آفتاب
 باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است
 بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است
 کار جهان و خلق جهان جمله در هم است
 کاشوب در تمامی ذرات عالم است

(۵۳۴: ۱۳۸۷)

بحر العلوم با پیروی از بند اوّل ترکیببند محتشم، شعر خود را با بیان «الله أكبر ماذا الحادث الجلل» که نشان دهنده شگفتی او از عظمت حادثه کربلا است، آغاز می کند:

۱. الله أكبر ماذا الحادث الجلل
 ۲. ما هذه الزفراء الصاعدات اسي
 ۳. ما للغيون عيون الدمع جارية
 وقد تزلزل سهل الأرض والجلل
 كأنها من هييب القلب تشعل
 منها تخد خدودا حين تنهمل

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۸)

(ترجمه: ۱. الله أكبر این حادثه بزرگ چیست که از عظمت آن کوه و بیابان متزلزل شده است. ۲. این ناله های بلند ناراحتی از چیست؟ گویا ناله ها از سوز قلب زبانه می کشند. ۳. چشم ها را چه شده است که چشمه های اشک از آن جاری است و هنگامی که از گونه ها جاری می شود، آن ها را زخمی می کند.)

شاعر چنان از مرثیه محتشم متأثر شده است که شعر خود را به پیروی از شعر محتشم با اسلوب پرسشی آغاز می کند. سید بحر العلوم از بزرگی و عظمت حادثه کربلا به خدا پناه می برد و بیان می دارد که آن حادثه، مصیبتی است که کوه و دشت از آن مضطرب و متزلزل شده اند. در این بیت، عبارت «الحادث الجلل» و «تزلزل سهل الارض والجلل» مفهومی نزدیک به «شورش خلق عالم» و «رستخیز عظیم» دارد.

بحر العلوم اصرار دارد که هر سه واژه نوحه و عزا و ماتم را که محتشم در مصرع دوم به کار برده، در بیت دوم شعر خود به کار برد. وی در این بیت واژه های «التياح»، «الصّجيج» و «الضّوضاء» را به کار برده و تناسب واژگانی وسیعی ایجاد کرده است:

ما هذا التياح الذي عطّ القلوب وما
 هذا الصّجيج وذا الضّوضاء والزّجل

(همان)

(ترجمه: این نوحه هایی که قلب ها را شکافته، چیست؟ و این ناله و فریاد و آه چیست؟)

وی از بیت دوم شعر محتشم نیز ترکیب «نفخ صور» را وام گرفته است. محتشم در این بیت، مصیبت کربلا را به رستخیز عظیم تشبیه می کند که بی نفخ صور اسرافیل از زمین تا عرش برخاسته است:

كأن نفخة صور الحشر قد فجأت
 فالتّاس سكري ولا سكر ولا ثمل

(همان)

(ترجمه: گویا نفخهٔ صور قیامت مردم را غافلگیر کرده است و مردم مست‌اند؛ درحالی که نه مست هستند و نه بیهوش.)

تفاوتی که در به‌کارگیری عبارت «نفخ صور» هست، این است که محتشم آن را به‌طور سلبی (بی‌نفخ صور) به‌کار برده است؛ اما بحر العلوم به‌گونه‌ای ایجابی؛ به‌نظر می‌رسد تصویر محتشم، زیباتر و غریب‌تر است؛ زیرا وی بیان می‌کند که بی‌نفخ صور، قیامتی برپا شده است و آن به‌دلیل ماجرای کربلاست؛ ولی بحر العلوم می‌کند که به‌سبب حادثهٔ کربلا، در صور دمیده شده و قیامتی برپا شده است. شایان ذکر است که بحر العلوم برای بیان عظمت عاشورا و همچنین همانندی آن با قیامت، تصویر قرآنی قیامت را نیز بر آن افزوده است:

﴿وَتَوَى النَّاسُ سُكَّارَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَّارَىٰ﴾ (حج/ ۲) که باعث زیبایی و غنی شدن تصویر عاشورایی شده است. در ادامهٔ بند اول، محتشم بیان می‌کند که به‌سبب اندوه واقعهٔ کربلا، در بارگاه قدس همهٔ فرشتگان عزادار و ماتم‌زده‌اند و جن و ملک بر آدمیان نوحه‌سرایی می‌کنند:

جنّ و ملک بر آدمیان نوحه می‌کنند گویا عزای اشرف اولاد آدم است
(۱۳۸۷: ۵۳۳)

بحر العلوم با تأثیرپذیری از این بیت، بیان می‌کند که محرم، ثقلین (جن و انس) را اندوهگین کرده و به ماتم‌نشده است؛ زیرا آل نبی در این ماه به شهادت رسیده‌اند و قرآن کریم و احکام آن که ثقل اکبر به حساب می‌آید، به‌واسطهٔ شهادت عترت پیامبر تعطیل شده است:

شَهْرٌ دَهَىٰ تَقْلَيْهَا مِنْهُ دَاهِيَةٌ ثَقُلُ النَّبِيِّ حَصِيدٌ فِيهِ وَالثَّقَلُ
(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۸)

(ترجمه: این ماه، ماهی است که مصیبتی بزرگ به جن و انس رسیده و عترت پیغمبر و گل‌های بوستان پیامبر را از آن بوستان قطع نموده و احکام قرآن و شعائر اسلام و ایمان را معطل کرده است.)

بحر العلوم نیز در بند اول، از واژه‌های «ثقلین» و «نوح» استفاده کرده است که از واژه‌های پربسامد در شعر محتشم به‌شمار می‌آید:

ما هذا التّيح الذي عطّ القلوب وما هذا الصّجيج وذا الصّوضاء والزّجل
شَهْرٌ دَهَىٰ تَقْلَيْهَا مِنْهُ دَاهِيَةٌ ثَقُلُ النَّبِيِّ حَصِيدٌ فِيهِ وَالثَّقَلُ

(همان)

(ترجمه: این نوحه‌ای که دل‌ها را به‌درد آورده از چیست؟ این صدا و ناله و فغان از چیست؟ این ماه محرم، چه ماهی است که جن و انس را به مصیبت انداخت؟! مصیبتی که اهل بیت در آن ماه اسیر و آواره شدند.)

در آغاز بند دوم، آنگاه که محتشم از شهادت خونین امام (ع) و یاران جان برکف او سخن به‌میان می‌آورد،

آنان را به کشتی ای تشبیه می کند که در طوفان حوادث هولناک کربلا، شکسته شده است و ساکنان و سرنشینان آن به خاک و خون کشیده شده اند:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون فزاینده به میدان کربلا

(۵۳۳: ۱۳۸۷)

محتشم در این تشبیه، نظری هم به این حدیث معروف دارد: «مثلُ أهلِ بیتی کمثل سفینة نوح من رکبها نَجی ومن تخلف عنها غرق». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۳: ۱۲۴) یا این حدیث مشهور: «إنَّ الحسین مصباح الهدی وسفينة النجاة» (همان، ج ۹۱: ۱۸۴).

شکستن کشتی، تصویر مشترک شعر محتشم و بحرالعلوم به شمار می آید. محتشم آرزو می کند که کاش در آن زمان تمام دنیا غرق دریای خون می شد؛ اما در طوفان کربلا، کشتی اهل بیت پیغمبر نمی شکست:

کشتی شکست خورده طوفان کربلا در خاک و خون تپیده میدان کربلا

کاش آن زمان که کشتی آل نبی شکست عالم تمام غرقه دریای خون شدی

(۵۳۳: ۱۳۸۷)

بحرالعلوم از ترکیب شکستن کشتی آل نبی استفاده کرده و بیت زیر را سروده است:

قَامَتْ قِيَامَةُ أَهْلِ الْبَيْتِ وَانْكَسَرَتْ سَفُنُ النَّجَاةِ فِيهَا الْعِلْمُ وَالْعَمَلُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: قیامت اهل بیت برپا شد و کشتی نجاتی که علم و عمل در او بود، شکست.)

همچنین بحرالعلوم، برپاشدن قیامت در دنیا را از بیت زیر گرفته است که محتشم، ایام محرم را قیامت دنیا می خواند:

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست این رستخیز عظیم که نامش محرم است

عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکار

(۵۳۳: ۱۳۸۷)

محتشم، حادثه کربلا را به قیامت تشبیه می کند؛ اما بحرالعلوم در عبارت «قامت قیامة أهل البيت»، حادثه جانسوز کربلا را قیامت اهل بیت می داند: «قامت قیامة أهل البيت وانكسرت». (میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

محتشم در تمامی ابیات بند سوم که با واژه «کاش» شروع می شود، آرزو می کند که کاش زمین و آسمان در آن لحظه متلاشی می شد و سیل سیاه روی زمین را قیرگون می کرد و این فاجعه رخ نمی داد:

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی وین خرگه بلند ستون بی ستون شدی

کاش آن زمان در آمدی از کوه تا به کوه سیل سیه که روی زمین قیرگون شدی
(۵۳۴: ۱۳۸۷)

بحر العلوم، تصویر متفاوتی با استفاده از عنصر آسمان و زمین و عرش ارائه می‌دهد. در سخن او زمین و آسمان به لرزه و اضطراب در آمده‌اند و ترس و وحشت بر اهل آسمان و فرشتگان چیره شده است؛ به بیان دیگر، اتفاقاتی که محتشم آرزوی رخدادنش را می‌کند، در نظم بحر العلوم رخ داده و تحقق می‌یابد:

وَارْتَجَبَتِ الْأَرْضُ وَالسَّعْبُ الشَّدَادُ وَقَدْ أَصَابَ أَهْلَ السَّمَاوَاتِ الْغَلَى الْوَجَلُ
(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)
(ترجمه: زمین و آسمان‌های محکم هفت گانه به لرزه درآمدند و بر دل آسمانیان و الامقام ترس افتاد.)

زمانی که مصیبت عظیم در کربلا رخ می‌دهد، عرش به لرزه در می‌آید:
عرش آن زمان به لرزه درآمد که چرخ پیر افتاد در گمان که قیامت شد آشکار
(۵۳۵: ۱۳۸۷)

بحر العلوم با تأثیرپذیری از این مضمون محتشم، بیت زیر را سروده است:
وَاهْتَزَّ مِنْ دَهَشٍ عَرْشُ الْجَلِيلِ فَلَوْ لَا اللَّهُ مَا سَكَّهَ أَهْوَى بِهِ الْمَيْلُ
(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: عرش بزرگ الهی از شدت وحشت به لرزه درآمد که اگر خداوند نگهدار آن نبود، این تکان، آن را به زمین انداخته بود.)

ترکیب «عرش الجلیل»، معادل عبارت «عرش اعظم» محتشم در بیت زیر است:
باز این چه رستخیز عظیم است کز زمین بی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است
(۵۳۳: ۱۳۸۷)

بحر العلوم در به تصویر کشیدن تشنگی و عطش امام حسین (ع) و یارانش، از محتشم متأثر شده و به شکل‌های مختلف تأثیرپذیری‌اش را نمایان کرده است. از جمله این عبارتها، ترکیب انگشتر مکیدن در بیت‌های زیر است:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا
بودند دیو و دد همه سیراب و می‌مکید خاتم ز قحط آب سلیمان کربلا
(همان)

بحر العلوم این عبارت کنایی را تغییر داده و آن را به صورت «سقیاه خاتم» و «مراضعه أصابعه» به کار برده است:

۱. هَفِي عَلَيَّ مَا جِدُّ أَرَبْتِ أَنَامِلُهُ عَلَيَّ السَّحَابِ غَدَا سُقِيَاهُ خَاتِمُهُ

۲. ضیفٌ اُمُّ بَارِضٍ وَرُدُّهَا شَرَّعٌ قَضَىٰ بِهَا وَهُوَ ظَامِي الْقَلْبِ حَائِثُهُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: ۱. در حسرت و اندوهم بر بخشنده‌ای که دستان بخشنده‌اش بر ابر پیشی داشت، اکنون از شدت تشنگی، انگشترش ساقی‌اش شده است. ۲. مهمانی که قصد سرزمینی را کرد که آب در آنجا زیاد بود و همگان در استفاده از آن مساوی بودند؛ اما امام در آنجا درحالی که تشنه و در پی آب بود، جان داد.)

بحرالعلوم، جمله مثلی محتشم را به صورت جمله اسمیه و با استعاره مکئیه و صنعت تشخیص در شعر خود جا داده است. زیبایی نظم بحرالعلوم در این است که وی ابتدا بخشندگی امام حسین (ع) را به تصویر می‌کشد، اما با تمام این بخشندگی، اکنون تشنه است و دشمنان آب را از او منع کرده‌اند؛ لذا انگشتر ساقی ایشان شده است.

تصویری که در منظومه محتشم نیست، تشنگی شیرخوار گانی است که شیر آن‌ها از تشنگی و بی‌آبی خشک شده است و بحرالعلوم آن را به صورت زیر بیان کرده است:

۱. لَلَّهِ مُرْتَضِعٌ لَمْ يَرْتَضِعْ أَبَدًا مِنْ تَدِي أُتْنَىٰ وَمِنْ طَه مَرَاضِعُهُ
 ۲. هَلْ رَاحِمٌ يَرْحَمُ الْوَلَدَ الرِّضِيعَ فَقَدْ جَفَّ الرِّضَاعُ وَمَا لِلْطِّفْلِ مُصْطَبِرٌ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: ۱. به خاطر خدا به داد کودک شیرخواری برسد که هرگز از پستان بانویی شیر نوشید و شیردهنده او پیامبر خدا بود. ۲. آیا دلسوزی هست که به طفل شیرخواره رحم کند؟ پستان مادرش خشک شده و برای کودک صبری نمانده است.)

هر دو شاعر در بیان تشنگی امام حسین (ع)، از واژه مهمان (ضیف) استفاده کرده‌اند. محتشم در استفاده از این واژه در مصراع دوم از اسلوب نقد و تعریض استفاده کرده است که تأثیر فزاینده‌ای بر مخاطب دارد:

از آب هم مضایقه کردند کوفیان خوش داشتند حرمت مهمان کربلا

(۱۳۸۷: ۵۳۳)

۲-۲. تأثیر پذیری مضمونی

حادثه عاشورا، یکی از مهم‌ترین حماسه‌های تاریخ بشر است که همگان را متأثر ساخته است. پرداختن به حوادث و رخدادهای روز عاشورا، دست‌مایه بسیاری از شاعران شیعی شده و اشعار و قصاید فراوانی درباره آن سروده شده است. تقریباً هیچ شاعر شیعه‌مذهبی را نمی‌توان یافت که در شعرش عاشورا و اجزاء این قیام از حرکت امام حسین (ع) به سوی کربلا و محاصره و جنگیدن تا شهادت و اسارت منعکس نشده باشد. محتشم کاشانی، ضمن پرداخت ناب و عاطفی به واقعه عاشورا تا حد بسیاری برای ایجاد تعادل هنری و

شاعرانه کوشیده است، به گونه‌ای که می‌توان گفت: هیچ‌یک از جوانب آن بر دیگری غلبه و برتری ندارد. تنوع مضامین در ترکیب‌بند محتشم درخور توجه است، هر چند شعر به‌طور کلی پیرامون عاشورا سروده شده است، اما محتشم کوشیده تا حد امکان هر بند را به بخشی از این واقعه عظیم اختصاص دهد، گرچه این مضامین متنوع، منافاتی با اصل موضوع ندارند. بحر العلوم در سرودن یازده بند مشهور خود به میزان چشمگیری از تصاویر و مضامین شعری محتشم بهره برده است که به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود:

۲-۱-۲. ماتم و عزای قدسیان

محتشم در بیان عظمت حادثه عاشورا می‌گوید که اگرچه بارگاه قدس جای ملال نیست؛ اما به سبب فاجعه کربلا سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است:

در بارگاه قدس که جای ملال نیست سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

(۱۳۸۷: ۵۳۳)

درواقع، بیت محتشم بیان نهایت حزن و ناراحتی است؛ به طوری که در جایی که اندوه و ناراحتی معنا ندارد، به سبب این مصیبت، قدسیان غرق در غم و اندوه‌اند.

بحر العلوم با تأثیرپذیری از این بیت محتشم، در بند اول و دوم ترکیب‌بندش، عین مصراع دوم شعر محتشم را به عربی می‌آورد و بیان می‌کند که در آسمان‌های بلند، فرشتگان به عزاداری شهید مظلوم مشغول‌اند:

هَذَا مُصَابُ الشَّهِيدِ الْمُسْتَضَامِ وَمَنْ فَوْقَ السَّمَوَاتِ قَدْ قَامَتْ مَائِمَةٌ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: این شخص شهید مصیبت‌دیده و ظلم‌دیده است و کسی است که بالای آسمان‌ها، ماتم او برپا شده است). بحر العلوم در بند دیگری، پا را فراتر گذاشته و در قالب بیتی بیان می‌کند که ذات خداوند، بزرگ‌تر از این است که حزن و اندوه به او برسد، اما هر قلبی که معرفت حق را احاطه کرده باشد، اندوه و مصیبت او بزرگ است:

جَلَّ الْإِلَهُ فَلَيْسَ الْحُزْنُ بِالْغَمِّ لَكِنَّ قَلْبًا حَوَاهُ حُزْنُهُ جَلَلٌ

(همان)

(ترجمه: خداوند عظیم‌تر از آن است که غم و اندوه به او رسد، اما قلبی که خدا را در درون دارد، ناراحتی‌اش بزرگ است.)

شایان ذکر است که بحر العلوم در این بیت، از مضمون بیت زیر محتشم نیز استفاده کرده است:

هست از ملال گرچه بری ذات ذوالجلال او در دلست و هیچ دلی نیست بی‌ملال

(۱۳۸۷: ۵۳۵)

محتشم هر چند ذات خداوند را به دور از هر گونه حزن و ملال می‌داند، اما خداوند را هم از این حادثه متأثر و داغدار می‌بیند؛ زیرا خداوند در دل آدمیان است و دل آدمیان هم از این حادثه داغدار است. آن چنان این بیت محتشم زیبا و تأثیرگذار است که بحرالعلوم هم به طور دقیق آن را در شعرش ترجمه کرده است.

۲-۲-۲. تشبیه پیکر امام حسین (ع) به نخل

افتادن نخل از جمله تعبیری است که شاعران فارسی‌زبان از آن برای بیان ترسیم شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران باوفایش بهره برده‌اند. محتشم کاشانی، چهار بار از این تعبیر استفاده کرده است (ر.ک: آل‌بویه لنگرودی و همکاران، ۱۳۹۲: ۷) محتشم، جسم و جان عطشان امام (ع) را به نخل تری تشبیه می‌کند که به شعله‌های آتش گرفتار آمده و دود آن به گردون برخاسته است:

وز تیشه سئیزه در آن دشت کوفیان بس نخل‌ها ز گلشن آل عبا زدند
(۱۳۸۷: ۵۳۵)

این نخل تر کز آتش جان‌سوز تشنگی دود از زمین رسانده به گردون حسین توست
(همان: ۵۳۶)

تشبیه جسم و جان حضرت به نخل، اثرگذار و جانگداز است که در شعر سید مهدی بحرالعلوم نیز وارد شده است. بحرالعلوم، وجود مبارک امام حسین (ع) و فرزندانش را به نخل تشبیه کرده است:

۱. غَرَسٌ سَقَاهُ رَسُوْلُ اللهِ مِنْ يَدِهِ وَطَابَ مِنْ بَعْدِ طَيْبِ الْأَصْلِ فَارِعَةَ
۲. ذَوْتُ بَوَاسِقُهُ إِذْ أَظْمَأُوهُ فَلَمَّ يَقْطِفُ مِنَ الثَّمْرِ الْمُطْلُوْلِ يَانِعُهُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۸)

(ترجمه: ۱. او همچون نخلی است که رسول خدا با دستان خود آن را آبیاری کرده بود و شاخه‌های آن نیز پس از سبز شدن درخت، سبز شد. ۲. اما شاخه‌های آن خشک شد به این دلیل که او را تشنه گذاشتند؛ از این رو، از این درخت باغبانش میوه نچید.)

۲-۲-۳. بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع)

بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع) از مضامین و تصاویر شعری دیگر محتشم است که بحرالعلوم از آن استفاده کرده است:

تن‌های کشتگان همه در خاک و خون نگر سرهای سروران همه بر نیزه‌ها بین
آن سر که بود بر سر دوش نبی مدام یک نیزه‌اش ز دوش مخالف جدا بین
(۱۳۸۷: ۵۳۷)

محتشم کاشانی برای بیان بر نیزه شدن سر آن امام همام (ع) دلیل ادبی می‌آورد و می‌گوید که خورشید نیز به

نشان عزا، سر برهنه از کوهسار طلوع کرده است:

خورشید سر برهنه برآمد ز کوهسار روزی که شد به نیزه سر آن بزرگوار

(همان: ۵۳۵)

بحر العلوم با تأثیرپذیری از شعر محتشم می‌سراید:

وَالرَّأْسُ فِي رَأْسِ مِيَالٍ يُطَافُ بِهِ وَيَقْرَعُ اللَّيْنُ مِنْهُ شَامِتٌ طَرْبٌ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: سر مبارک امام حسین (ع) بر سر نیزه بلندی بود که در شهرها می‌چرخاندند و شامت‌کننده شاد، بر لب و دندان مبارکش ضربه می‌زد.)

فَوْقَ الْقَنَا رَأْسُهُ يُهْدَى لِكَاثِبِهِ فَنَالَ أَقْصَى مُنَاهُ مِنْهُ كَاثِبُهُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: سر آن حضرت را بر بالای نیزه برای دشمنش (یزید) هدیه بردند. پس آن ملعون از کشتن آن حضرت به منتهای آرزوی خود دست یافت.)

ایات بالا که بیان حادثه بر نیزه کردن سر مبارک امام حسین (ع) است، در شعر محتشم، تجلی والاتری دارد؛ زیرا وی به‌جای بیان روایت‌وار حادثه که قلب را به درد می‌آورد، نهایت بزرگی آن را با استفاده از فن ادبی تشخیص و با کمک گرفتن از عناصر طبیعت (خورشید) و استعاره مکینیه (تشبیه خورشید به انسان و سر برهنه‌شدن) به‌صورت هنری به‌تصویر کشیده است.

۲-۲-۴. عدم فراموشی این فاجعه و مصیبت تا قیام قیامت

محتشم کاشانی برای نشان‌دادن عظمت و تأثیرگذاری ماجرای کربلا و عدم فراموشی آن با گذشت زمان، بیان می‌کند که فریاد العطش تشنگان هنوز هم از بیابان کربلا به آسمان می‌رسد:

زان تشنگان هنوز به عیوق می‌رسد فریاد العطش ز بیابان کربلا

(۱۳۸۷: ۵۳۳)

بحر العلوم این مضمون را به‌صورت دیگری آورده است:

لَمْ يُنْسَ قَطُّ وَلَا اللَّيْكَرَى تُجَدِّدُهُ أَوْرَى بَزْنَدِ الْأَسَى لِلْحَشْرِ قَادِحُهُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: این مصیبت هرگز فراموش نمی‌شود و آنکه آتش آن را روشن کرد تا قیامت آتش حزن برپا کرده است.)

۱. حُزْنٌ طَوِيلٌ أَبَى أَنْ يَتَجَلَّى أَبَدًا حَتَّى يَقُومَ بِأَمْرِ اللَّهِ قَائِمُهُ

۲. أَلْقَى الْمُصَابُ عَلَى الْإِسْلَامِ كَلْكَلَهُ فَكُلُّ مُتَسَبِّبٍ لِلسَّيِّئِ مُكْتَسِبٌ

(همان)

(ترجمه: ۱. حزن بزرگی است که هیچ وقت از بین نمی رود تا اینکه به دستور خدا، حضرت قائم (عج) قیام کند. ۲. مصیبت سایه اش را بر اسلام انداخته و هر کس که به دین منتسب است، از این واقعه غمگین است.)
تصویری که محتشم از ادامه دار بودن مصیبت کربلا ارائه می دهد، تصویری غیر مستقیم و در عین حال تکان دهنده است؛ اما بحر العلوم به طور مسقیم بیان می کند که اندوه مصیبت کربلا هیچ وقت از بین نمی رود و فراموش نمی شود.

۲-۲-۵. انتقام و شفاعت در روز حشر

در ترکیب بند محتشم، سخن از انتقام و خون خواهی امام حسین (ع) است. وی بیان می کند این فاجعه گناهی نابخشودنی است و دیگر گناهان آدمیان در برابر این گناه بزرگ، امری ناچیز است:

ترسم جزای قاتل او چون رقم زنند	یک باره بر جریده رحمت قلم زنند
آن انتقام گرفتادی به روز حشر	با این عمل معامله دهر چون شدی
ترسم کزین گناه، شفیعان روز حشر	دارند شرم کز گنه خلق دم زنند

(۱۳۸۷: ۵۳۵)

در ترکیب بند بحر العلوم سخن از امید شفاعت دشمنان و تحقق نیافتن چنین امری است:

تَرْجُونَ جَدِّي شَفِيعًا وَهُوَ خَصْمُكُمْ وَيَلْ لِمَنْ خَصَمَهُ فِي الْحَشْرِ شَافِعٌ

(همان)

(ترجمه: شما از جدّم امید شفاعت دارید در حالی که او دشمن شماست. وای بر کسی که دشمنش در روز قیامت، شافع باشد.)

می توان گفت در ابیات بحر العلوم تأثیر پذیری عکسی هست. در ابیات محتشم از جزای قاتل امام حسین (ع) در روز محشر و خون خواهی یاران امام حسین (ع) سخن به میان می آید؛ در حالی که در شعر بحر العلوم، قاتلان امید شفاعت دارند. تأثیر پذیری واژگانی نیز در استفاده از دو واژه «شفیع» و «حشر» نمایان است.

۲-۲-۶. حریم اهل بیت و اهل حرم

توهین به حریم اهل بیت و حمله به خیمه های آنان و اسارت زنان، از مصیبت بارترین حوادث کربلا به حساب می آید که شاعر در شش بیت به صورت پی در پی آن را به تصویر می کشد و می توان گفت: طولانی ترین قسمت، توصیف تفصیلی وقایع کربلا است:

آه از دمی که لشکر اعدا نکرد شرم	کردند رو به خیمه سلطان کربلا
آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد	کز خوف خصم در حرم افغان بلند شد

(۱۳۸۷: ۵۳۴)

سید شاعر در به تصویر کشیدن «وارد شدن دشمن به خیمه زنان» بیش از محتشم سخن رانده و ناراحتی و غیرت‌ورزی امام حسین (ع) را به تصویر کشیده است که یک چشمش به دشمن بود که به او حمله می‌کرد و چشم دیگرش به خیمه‌های زنان:

۱. وکم حريمٍ لأهل البيتِ محترمٍ	قد استحلَّ وکم صاحت صوائخُهُ
۲. یلقى الأعداءِ بقلبٍ منه مُنقسمٍ	بین الخيامِ وأعداءٍ تُكافحُهُ
۳. واللحظُ كالقلبِ عينٌ نحوَ نسوتهِ	ترنُّو وعینٌ لقومٍ لا تُبارحُهُ
۴. لهفي عليه وقد مآل الطغاةِ إلی	نحو الخيامِ وخاضَ الفقَعُ ساجحُهُ
۵. قال: اقصُدوني بنفسی واترکوا حرمی	قد حانَ حیني وقد لاحت لوائحُهُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۹۰)

(ترجمه: ۱. چه بسیار حریم‌های محترم اهل بیت که مورد بی‌حرمتی قرار گرفت و چه فریادهایی که از آن خیمه‌ها بلند شد. ۲. امام با قلبی با دشمن روبه‌رو می‌شود که نیم آن متوجه خیمه‌هاست و نیمی دیگر متوجه دشمنی است که با او مبارزه می‌کند. ۳. و همچون دلش، یک چشمش از نگرانی زناش می‌نگرد و چشم دیگرش به طرف قومی که او را رها نمی‌کند. ۴. بر او حسرت می‌خورم درحالی که طاغیان به طرف خیمه‌ها رفتند؛ حال آنکه سوارکاران در گرد و خاک برآمده از سرعت تاخت، فرورفته بودند. ۵. گفت با من بجنگید و حریم مرا رها کنید موعده من فرارسیده و نشانه‌های آن آشکار شده است.)

اما بحر العلوم از ترجمه زیبایی‌های بی‌حد و حصر عبارت محتشم «آن دم فلک بر آتش غیرت سپند شد» ناتوان مانده است. استفاده از صنعت تشخیص، استعاره مکنیه و مصرّحه و اغراق و درنهایت تصویرسازی بکر، وی را در این زمینه بی‌همتا نموده است.

۲-۷. خون‌گریستن فلک

خون‌گریه کردن، مضمونی است که بحر العلوم از نظم خون‌چکان و گریه‌خیز محتشم متأثر شده و به‌وام گرفته است. در شعر محتشم، گریستن و خون‌گریه کردن به روزگار یا فلک نسبت داده شده است:

گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست	خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا
خاموش محتشم که فلک بس که خون‌گریست	دریا هزار مرتبه گلگون حباب شد

(۱۳۸۷: ۵۳۳)

این درحالی است که اشعار بحر العلوم در مقایسه با آن گزنده‌تر و دارای آشنایی‌زدایی بیشتری است؛ از جمله اینکه از چشم‌ها، چشمه‌های اشک چنان جاری است که گونه را در مسیرش زخمی می‌کند:

ما للعیون عیونُ الدَّمعِ جاریةٌ	منها تخدّ حدودا حین تنهمل
---------------------------------	---------------------------

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۹۰)

(ترجمه: چشم‌ها را چه شده است که چشمه‌های اشک از آن جاری است و هنگامی که از گونه‌ها جاری می‌شود، آن‌ها را زخمی می‌کند.)

یا در بیت:

كَيْفَ السُّلُوْ وَنَارُ الْقَلْبِ تَلْتَهُبُ وَالْعَيْنُ خَلْفَ قَدَاهَا دَمْعُهَا سَرِبُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۹۰)

(ترجمه: چگونه آرام گیرم در حالی که آتش دل شعله‌ور می‌شود و اشک چشم از پشت خاشاکش روان است.)
شاعر برای بیان علت اشک‌ریختن و توصیف سوختن دل شیعیان از تشبیه تمثیل استفاده کرده است. محتشم در تصویر خون گریستن از اغراق بیشتری استفاده کرده، به طوری که آسمان و زمین و اجرام آسمانی همه در مصیبت امام حسین (ع) خون‌گریه می‌کند.

۲-۲-۸. ضربت خوردن امام علی (ع)

محتشم در شعرش به بیان مصیبت امام حسین (ع) بسنده نکرده و در بند چهارم، مصائب اهل بیت را به رشته نظم خود می‌افزاید. او بیان می‌کند که اولین صلا در دنیا برای سفره غم و غصه برای سلسله انبیا زده شده است:

بر خوان غم چو عالمیان را صلا زدند اوّل صلا به سلسله انبیا زدند

(۱۳۸۷: ۵۳۳)

او در این نظم جانسوز از ضربت خوردن امام علی (ع) سخن آغاز می‌کند:

نوبت به اولیا چو رسید آسمان تپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند

(همان)

نظیر مفهومی و واژگانی این بیت در شعر بحر العلوم، بیت زیر است:

عَدَّتْ عَلَيَّ أَسَدِ الْغَابَاتِ أَضْبُعُهَا وَفِي الرُّعَاةِ هَا قَدْ عَثَّتِ الشَّاءُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۹۰)

(ترجمه: کفتارها و درندگان آن بیشه بر شیر جنگل‌ها تعدی و دشمنی کردند و گوسفندان را از بین بردند.)

بحر العلوم در بیت بالا، مفهوم بیت خود را از مصراع دوم محتشم وام گرفته و به صورت تصویر استعاره‌ای عرضه کرده است که البته از تأثیر پذیری واژگانی نیز غافل نبوده و واژه شیر یا «أسد» را به نظم خود افزوده است. با این تفاوت که محتشم از عبارت «شیر خدا» و بحر العلوم از «أسد الغابات» (شیر بیشه‌ها) استفاده کرده است.

۲-۲-۹. تزلزل در ارکان دین

مضمون دیگری که بحر العلوم از اشعار محتشم متأثر شده، در خطر افتادن ارکان دین پس از شهادت امام

حسین (ع) است:

نزدیک شد که خانه ایمان شود خراب
از بس شکست‌ها که به ارکان دین رسید
(۵۳۵: ۱۳۸۷)

بحر العلوم نیز با تأثیرپذیری از بیت بالا می‌سراید:
وَزَادَ مَا ضَعُضَعَ الْإِسْلَامُ وَأَنْصَدَعَتْ

مِنْهُ دَعَائِمُ دِينِ اللَّهِ تَابِعُهُ
(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۹)

(ترجمه: اسباب ویرانی دین اسلام افزون شد و پس از آن، ستون‌های دین الهی شکاف برداشت.)

و به صورت اخذ مفهوم در بیت زیر نمایان است:

۱. اللَّهُ مَجْدٌ سَمَا الْأَفْلَاكَ رَفَعْتُهُ
مَاذُ الْغُلَىٰ عِنْدَمَا مَادَتْ دَعَائِمُهُ
۲. الْيَدَيْنِ مِنْ بَعْدِهِمْ أَقْوَتٍ مَرَابِعُهُ
وَالشَّرْعُ مِنْ فَقْدِهِمْ غَارَتِ شَرَائِعُهُ

(همان)

(ترجمه: ۱. خداوند مجد و عظمتی دارد که رفعتش از افلاک گذشته و به همین سبب، هنگامی که ستون آن متزلزل و منهدم شد؛ بنیان علو و رفعت و بزرگی متزلزل شد. ۲. پس از شهادت آن‌ها، چهارچوب دین از هم گسست و قوانین شرع به‌خاطر نبود آن‌ها از بین رفت.)

۲-۱۰. روی زمین ماندن پیکر مبارک امام حسین (ع)

گاهی بحر العلوم از یک بند شعر محتشم، به‌طور کلی تأثیر می‌پذیرد؛ به‌بیان دیگر، یک بیت بحر العلوم، آینه یک بند شعر محتشم است. بند نهم ترکیب‌بند محتشم کاشانی به توصیف شاعرانه بر روی زمین ماندن پیکر امام حسین (ع) با ردیف شعری «حسین توست» اختصاص دارد که گاهی پیکر مبارک آن حضرت به نخل تر و گاهی به ماهی فتاده به دریای خون تشبیه می‌شود:

این کشته فتاده به هامون حسین توست
این قالب تپان که چنین مانده بر زمین
وین صید دست و پا زده در خون حسین توست
این ماهی فتاده به دریای خون که هست
شاه شهید ناشده مدفون حسین توست
زخم از ستاره بر تنش افزون حسین توست

(۵۳۶: ۱۳۸۷)

بحر العلوم، بند هشت بیتی بالا را در بیت زیر فشرده و خلاصه کرده است:

كَيْفَ الْعِزَاءُ وَجْثَمَانُ الْحُسَيْنِ عَلَيَّ
الرَّمْضَاءُ عَارٍ جَرِيحٌ بِالْتَرِي تَرْبُ

(میرزا ابی طالب، ۱۲۶۵: ۸۸)

(ترجمه: چگونه عزاداری کنم درحالی که پیکر مبارک امام حسین (ع) برهنه و زخمی خاک‌آلود بر روی شترزار داغ افتاده است.)

۳. نتیجه گیری

بحرالعلوم با بهره گیری از مفردات و ترکیبات کلیدی و مضمون ساز شعر محتشم بر غنای شعر خویش افزوده است. با دقت در واژه‌ها و مضامین شعری بحرالعلوم به راحتی می‌توان به میزان تأثیر پذیری بحرالعلوم از محتشم کاشانی پی برد. بحرالعلوم گاه به‌طور مستقیم ترکیبات شعری محتشم را به عربی برگردانده و گاه تنها از واژگان شعری پرسامد محتشم برای به‌نظم درآوردن شعرش بهره برده و در مواردی از اصل تداعی معانی برای سرودن ترکیب‌بندش استفاده کرده است.

محتشم کاشانی، ضمن پرداخت ناب و عاطفی به واقعه عاشورا تا حد بسیاری برای ایجاد تعادل هنری و شاعرانه می‌کوشد، به گونه‌ای که می‌توان گفت: هیچ‌یک از جوانب آن بر دیگری غلبه و برتری ندارد. تنوع مضامین در ترکیب‌بند محتشم در خور توجه است، هر چند شعر به‌طور کلی پیرامون عاشورا سروده شده، اما محتشم کوشیده تا حد امکان هر بند را به بخشی از این واقعه بزرگ اختصاص دهد، گرچه این مضامین متنوع مخالفتی با اصل موضوع ندارند. بحرالعلوم در تأثیر پذیری محتوایی به میزان چشمگیری از تصاویر و مضامین شعری محتشم بهره برده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: ماتم و عزای قدسیان، تشبیه پیکر امام حسین (ع) به نخل، بر نیزه کردن سر امام حسین (ع)، عدم فراموشی این فاجعه و مصیبت تا قیام قیامت، حریم اهل بیت و اهل حرم، انتقام و شفاعت، خون‌گریستن فلک، ضربت خوردن امام علی (ع)، تزلزل در ارکان دین و روی زمین ماندن پیکر مبارک امام حسین (ع).

۴. پی‌نوشت‌ها

(۱) محتشم کاشانی: سید کمال‌الدین علی فرزند خواجه میراحمد کاشانی متخلص به محتشم در سال ۹۰۵ هجری قمری، در دوره پادشاهی شاه طهماسب صفوی در کاشان متولد شد. بیشتر دوران زندگی خود را در این شهر گذراند و در همین شهر نیز در ربیع‌الاول سال ۹۹۶ هجری درگذشت و محل دفن او بعدها مورد احترام مردم قرار گرفت. نام پدرش خواجه میراحمد بود. کمال‌الدین در جوانی به مطالعه علوم دینی و ادبی معمول زمان خود پرداخت و اشعار شاعران قدیمی ایران را به‌دقت بررسی کرد. وی در جوانی به دربار شاه طهماسب صفوی راه یافت و به مناسبت قصیده و غزل‌های زیبایش مورد لطف شاه قرار گرفت. محتشم پس از مدتی در زمره شاعران معروف عصر خود جای گرفت ولی نظر به اعتقادات دینی خود و احساسات شیعی دربار شاهان صفوی که در صدد تقویت این مذهب بودند، به سرایش اشعار مذهبی و مصائب اهل بیت که در نوع خود تازه و بی‌بدیل بود، پرداخت.

محتشم پس از چندی به یکی از بزرگ‌ترین شاعران ایران در سبک اشعار مذهبی و مصائب ائمه اطهار (ع) تبدیل شد و اشعارش در سراسر ایران شهرت خاصی یافت، به طوری که می‌توان وی را معروف‌ترین شاعر مرثیه‌گوی ایران دانست که برای اولین بار سبک جدیدی در سرودن اشعار مذهبی به‌وجود آورد. اولین شعرهای مذهبی محتشم در سوگ برادرش بود که ابیات زیبایی در غم هجر او سرود و پس از آن به سرایش مرثیه‌هایی در واقعه جانسوز کربلا، عاشورای حسینی و مصیبت‌نامه‌های مختلف پرداخت (ر.ک: صفا، ۱۳۸۰، ج ۴: ۲۸۷). از مشهورترین مرثیه‌های محتشم ترکیب‌بند مشهور محتشم با مطلع «باز این چه شورش است» است که در میان شیعیان جایگاه ویژه‌ای دارد. برخی از تذکره‌نویسان از محتشم و ترکیب‌بند مشهورش در کتاب خود سخن به میان آورده‌اند که از بین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: سام میزرا در تذکره «تحفه سامی»، امین احمد رازی

در «هفت اقلیم»، تقی‌الدین حسینی اوحدی در تذکره «عرفات العاشقین»، اسکندریگک منشی در «عالم آرای عباسی» و... (ر.ک): در گاهی و همکاران، ۱۳۷۸: ۳۹-۴۰).

در تذکره‌ها و کتاب‌های مختلف درباره سرچشمه سرایش ترکیب‌بند مشهور محتشم نقل قول‌های متفاوتی آورده‌اند. اسکندر بیگ منشی معتقد است که محتشم قصیده‌ای در مدح دختر شاه‌طهماسب پری‌خان خانم سرود و شاه‌طهماسب وی را به سرودن اشعاری در مدح ائمه اطهار (ع) تشویق و ترغیب کرد (ر.ک: صفا، ج ۵: ۷۹۳-۷۹۴) مدرس تبریزی روایت متفاوتی نقل می‌کند که محتشم پس از وفات برادرش عبدالغنی مرثیه‌های بسیاری درباره او می‌گفت تا شبی در عالم رؤیا به خدمت حضرت امیرالمومنین (ع) رسید. فرمود: چرا در مصیبت برادرت مرثیه گفته‌ای و برای فرزندم حسین (ع) مرثیه نگفته‌ای؟ گفت یا امیرالمومنین مصیبت فرزندت از حد و حصر خارج است؛ بنابراین آغاز سخن را پیدانمی‌کنم. حضرت فرمود، بگو: باز این چه شورش است که در خلق عالم است (ر.ک: مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۵: ۵۶۴-۵۶۷)

(۲) سید محمد مهدی بحر العلوم: سید مهدی در سال ۱۱۵۵ قمری در کربلا به دنیا آمد. در سنین نوجوانی دروس حوزوی را نزد پدر خود و همچنین محمد باقر وحید بهبهانی، شیخ یوسف بحرانی و سید حسین خوانساری گذراند و به درجه اجتهاد رسید. در جوانی به نجف رفت و در آنجا به دلیل انجام کارهای عمومی و عام‌المنفعه از شهرت و نفوذ اجتماعی زیادی برخوردار شد. وی سپس به خاطر شیوع بیماری طاعون در عراق، به ایران مهاجرت کرد و چندسالی در مشهد در حوزه درس میرزا سید محمد مهدی اصفهانی خراسانی شرکت جست. لقب بحر العلوم را برای اولین بار استادش در مشهد به سید محمد مهدی داد. استاد که از هوش سرشار شاگردش شگفت‌زده شده بود، روزی در لابه‌لای درس خطاب به او گفت: «إِنَّمَا أَنْتَ بَحْرُ الْعُلُومِ»: به راستی تو دریای دانشی و از آن زمان سید به بحر العلوم مشهور شد. علامه بحر العلوم دوباره به عراق بازگشت و در سال ۱۲۱۲ قمری در نجف درگذشت و همان‌جا دفن شد (ر.ک: در گاهی و همکاران، ۱۳۷۴: ۳۱-۳۴)

در میان شعرهای عاشورایی که به پیروی و تقلید از دوازده‌بند محتشم سروده شده، می‌توان ترکیب‌بند مشهور سید محمد مهدی بحر العلوم را نام برد که در یازده بند سروده شده است. شیخ آقابزرگ تهرانی بر این باور است که «بحر العلوم بند دوازدهم را به عنوان اشاره به غیبت امام زمان (عج) رها کرده است»، (تهرانی، ۱۳۶۰، ج ۲۵: ۸۵)

منابع

آل‌بویه لنگرودی، عبدالعلی؛ نرگس انصاری و سمیه اصائلو (۱۳۹۲). بررسی مفهومی قصیده بحر العلوم و مقایسه آن با ترکیب‌بند محتشم. کاوش‌نامه ادبیات تطبیقی، ۳ (۱۰)، ۱-۲۳.

پورنامداریان، تقی (۱۳۶۸). گمشده لب دریا (تأملی در صورت و محتوای شعر حافظ)، تهران: علمی و فرهنگی.

تهرانی، آقابزرگ (۱۳۶۰). الدررعیة إلى تصانیف الشیعة. تهران: مطبعة مجلس الشوری.

خوارزمی، حمیدرضا (۱۳۹۴). مراعات النظیر و تداعی معانی و سیر تحول آن‌ها. فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی، ۴ (۱۳)، ۷۵-۷۵.

در گاهی، حسین؛ محمدجواد انواری و عبدالحسین طالعی (۱۳۷۸). شورش در خلق عالم؛ سیری در ترکیب‌بند محتشم کاشانی و استقبال‌های آن در رثای سیدالشهداء. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات شمس الضحی.

صفا، ذبیح‌الله... (۱۳۸۰). تاریخ ادبیات در ایران. جلد ۴ و ۵، تهران: فردوس.

صلواتی، محمود (۱۳۸۷). صبح تیره، تحلیل سبکی ترکیب‌بند محتشم کاشانی در رثای سرور و سالار شهیدان. کیهان فرهنگی، (۲۶۷)، ۵۰-۵۴.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

محتشم کاشانی، کمال‌الدین علی (۱۳۸۷). دیوان محتشم کاشانی. با تصحیح و مقدمه اکبر بهداروند. چاپ چهارم، تهران: نگاه.

مدرس تبریزی، محمدعلی (۱۳۶۹). ریحانه الأدب. جلد ۵. چاپ سوم، تهران: خیام.

میرزا ابی طالب (۱۲۶۵). مرثیه سید مهدی بحر العلوم. تهران: کتابخانه ملک، شماره مسلسل: ۱۸۰۸، نسخه خطی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بحوث في الأدب المقارن (الأدبين العربي والفارسي)

جامعة رازي، السنة التاسعة، العدد ٢، صيف ١٤٤٠، صص. ١-١٩

دراسة مقارنة لعقود اثني عشريات محتشم الكاشاني واثني عشريات بحر العلوم (في اللفظ والمضمون)

محمد باشاي^١

أستاذ مساعد في قسم اللغة الفارسية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بآذربيجان، تبريز، إيران

مریم بخشى^٢

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بآذربيجان، تبريز، إيران

پرویز احمدزاده هوج^٣

أستاذ مساعد في قسم اللغة العربية وآدابها، كلية الآداب والعلوم الإنسانية، جامعة الشهيد مدني بآذربيجان، تبريز، إيران

القبول: ١٤٤٠/٩/١٢

الوصول: ١٤٤٠/٥/٢١

الملخص

رثاء الحسين (ع) وأصحابه الأوفياء من المضامين الشائعة بين اللغتين الفارسية والعربية. من الأشعار التي أنشدت في اللغة العربية في رثاء سيد الشهداء، هي المنظومة ذات اثني عشرة قطعة للسيد بحر العلوم التي جرى بها اثني عشريات محتشم الكاشاني. ففي هذا المقال بعد ذكر تمهيد موجز، عالجنا تأثير بحر العلوم بالقطع الاثني عشرة لمحتشم الكاشاني في المستويين المضمون واللفظ. في هذه الدراسة قمنا بالمقارنة بين اثني عشرة شعريّة لبحر العلوم والمنظومة ذات اثني عشر عقداً لمحتشم لتبيّن مدى التأثير الذي تركه محتشم على بحر العلوم في دراسة ممنهجة علمية. جدير بالذكر أنّ هذه الدراسة والمقارنة تمت في ضوء المكتب الفرنسي؛ لأنّ هذين الأدبين المقارنين يرتبطان ارتباطاً تاريخياً وأنشدا في اللغتين المختلفتين. أغنى بحر العلوم شعره باستخدام الألفاظ والمضامين الموجودة في اثني عشريات محتشم.

المفردات الرئيسية: الأدب المقارن، محتشم الكاشاني، اثني عشريات، بحر العلوم.



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی